

1-Review

Context

نکته مهم

مضارع اخباری فارسی == آینده قطعی انگلیسی

در خدمتتونم، چه فرمایشی دارید؟

I am at your service, what can I do for you?

برای شام بر می گردی؟ مهمون دارم.

Are you coming back for dinner? I have got some guest.

مادرت کی بر می گرده؟

When is your mother coming back?

اشکال نداره یه مقدار پول ازت قرض کنم؟ پولت رو سریع بر می گردونم.

Is it ok if I borrow some money? I am paying your money back very soon.

برادرت شماره ات رو داره؟

Has your brother got your number?

من بهش زنگ می زنم.

I am calling him.

بخشکی شانس، چه حیف!

Just my luck, what a shame!

تا خرخره گیرم، چی کار کنم؟

I am up to my eyes, what shall I do?

برادرت امشب مهمونی می آد؟

Is your brother coming to the party tonight?

ماشین ندارم، چطوری م تا کسی ن بگیرم؟

I haven't got a car, how shall I take a taxi?

خونه می رسونمت.

I am taking you home.

من رو هتل می رسونی؟

Are you taking me to the hotel?

می شه من رو هتل برسونید؟

Could you take me to the hotel?

چرا اینجا نشستی، داری هی بهم نگاه می کنی؟

Why are you sitting here, looking at me over and over?

کجا بشینم؟ پدرت دم خونه ایستاده ، منتظر کسی هست.

Where shall I sit? your father is standing at the door, waiting for someone.

اون مرده کیه که داره از خونه ام بیرون می آد؟

Who is that man coming out of my house?

چرا کراوات زدی؟

Why are you wearing a tie?

مهمونی مختلط می آیی؟

Are you coming to a coed party?

چیزی برای شام نداریم، چی بخوریم؟

We haven't got any thing for dinner, what shall we eat?

سر راهم چندتا ساندویچ می خرم.

I am buying some sandwiches on the way.

شام بیرون می خوری؟

Are you eating dinner out?

می شه برای شام یه چیزی درست کنی؟ من می آم خونه.

Could you cook something for dinner? I am coming home.

روزه ای؟

Are you on a fast? در درس یک گفتیم on رجوع شود به قاعده ای که برای

برادرت رژیمه؟

Is your brother **on a diet**?

پکر بنظر می رسی، چی شده؟

You look solemn, what is it?

بعداً بهت می گم.

I am telling you later.

باهات صحبت می کنم.

I am speaking with you.

امسال برام چی می خری؟

What are you buying for me this year?

اون مرده که دم در ایستاده، روزنامه می خونه، می خنده، سیگار می کشه، سوت می زنه، خمیازه می کشه پدرته؟

Is that man standing at the door, reading the newspaper, laughing, smoking cigarette, whistling, yawning your father?

مردی که دم در ایستاده و سوت می زنه کیه؟

Who is that man standing at the door, whistling?

بخشکی شانس، سرم خیلی شلوغه، می شه جلسه رو به تعویق بندازی؟

Just my luck! I am fully tide up, could you postpone the meeting?

بهت زنگ می زنم و باهات صحبت می کنم.

I am calling you **and** speaking with you.

در رو قفل می کنی؟ من کلید ندارم.

Are you locking the door? I haven't got a key.

اشکالی نداره در رو قفل کنم؟

Is it ok if I lock the door?

بیکاری یه چیزی برای شام بپزی؟

Are you free to cook something for dinner?

یه چیزی برات سفارش می دم.

I am ordering something for you.

چی سفارش بدیم؟

What shall we order?

چیزی هم داری بگی؟

Have you got anything to say?

من بعداً همه چی رو توی جلسه بهت می گم.

I am telling you everything at the meeting later.

برای شام چی می خوری؟

What are you eating for dinner?

می خوام استیک سفارش بدم، برای تو چی؟

I would like to order a steak, what about you?

من استیک می خورم.

I am eating the steak.

تو چی می خوری؟

What are you eating?

چی بخورم؟

What shall I eat?

کجا پارک کنم، جای پارکی اینجا نیست.

Where shall I park? there aren't any car parks here.

من ماشین رو پارک می کنم، نگران نباش.

I am parking the car, don't worry.

یه سری سؤال دارم، بپرسم؟

I have got some questions; shall I ask you?

کی جوابم رو می دی؟

When are you answering me?

سرم شلوغه، بعد از جلسه جوابت رو می دم.

I am fully tide up; I am answering you after the meeting.

شروع کنیم؟ شروع کنیم. سؤالی داری؟ سؤالی ندارم، شروع کنیم.

Shall we start? Let's start. Have you got any questions? I haven't got any questions, let's start.

Vocabulary

مختلط

Coed

سوت زدن

Whistling

taxi / tæksi/
coed-party / k d p ti/

2-I am going to sell my house

Context

می خواد بارون بیاد.

It is going to rain.

می خوام خونه ام رو بفروشم.

I am going to sell my house.

دارم می رم شمال.

I am going to the north.

فردا می رم شمال.

I am going to the north tomorrow.

فردا می خوام برم شمال.

I am going to **go** to the north tomorrow.

هفته بعد می رم پاریس.

I am going to Paris next week.

هفته بعد می خوام برم پاریس.

I am going to go to Paris next week.

می خوام به مامانم امشب زنگ بزنم.

I am going to call my mother tonight.

می خوام به مامانم امشب سر بزنم.

I am going to visit my mother tonight.

به مامانم امشب سر می زنم.

I am visiting my mother tonight.

امشب به مامانت سر می زنی؟

Are you visiting your mother tonight?

می خوابی امشب به مامانت سر بزنی؟

آینده غیرقطعی

تصور کن هوا ابری و رعد برقه

ما نمیگیم بارون میاد(اینده قطعی)!

بلکه میگیم میخواد/قصد داره/قراره/بناست بارون بیاد(اینده غیرقطعی)!

از بین تمام این معادل ها چون "میخواد" از همه محرک پرکاربرد تریه از اون استفاده میکنیم

تصور کن مثلا در ایران که وضعیت بازار خرابه

شما نمیگی من خونه مو میفروشم(اینده قطعی)!

بلکه میگی میخوام خونه مو بفروشم(اینده غیرقطعی)!

حالا چگونه بیاد بین اینده قطعی و غیرقطعی تشخیص بدیم و سریع اعمال کنیم؟

این کار رو خود ذهن فارسیات اتومات انجام میده

میخوام انجامش بدم

انجامش میدم

ما خیلی وقتا تو فارسی هم غلط حرف میزنیم. مثلا

هفته بعد که برادرت اومد(فعل گذشته) ایران یه شب بیاید خونه ما

اینده قطعی

going هیچ ربطی به فعل رفتن نداره

اگر بعد از گوینگ، اسم بیاد فعل رفتن است

اگر بعد از گوینگ، فعل بیاد اینده غیرقطعی است

اینده غیرقطعی

سوال اینده قطعی

سوال اینده غیرقطعی

Are you going to visit your mother tonight?

کی به مامانت سر می زنی؟

When are you visiting your mother?

کی می خوای به مامانت سر بزنی؟

When are you going to visit your mother?

بابام امسال می خواد بازنشست بشه.

My father is going to retire this year.

بابام امسال بازنشست می شه.

My father is retiring this year.

امسال بازنشست می شم.

I'm retiring this year.

کی بازنشست می شی؟

When are you retiring?

کی می خوای بازنشست بشی؟

When are you going to retire?

همکارم می خواد امسال استعفا بده.

My colleague is going to resign this year.

امسال استعفا می دم.

I am resigning this year.

چرا می خوای استعفا بدی؟

Why are you going to resign?

امسال استعفا می دی؟

Are you resigning this year?

بابام می خواد یه مغازه توی بازار باز کنه.

My father is going to **open up** a shop in **bazar**.

تقریب

تمام مثالهای این درس رو در معنی قطعی بودن یا نبودن
اینده تحلیل کن

هر مثال اگر با آینده قطعی بود دست
راستت رو بالا ببر
اگر با آینده غیرقطعی بود دست چپت
رو بالا ببر

می خوام اینجا مغازه باز کنی؟

Are you going to open up a shop here?

چرا می خوام اینجا مغازه باز کنی؟

Why are you going to open up a shop here?

امسال اینجا مغازه باز می کنی؟

Are you opening up a shop here this year?

شوهرم می خواد طلاقم بده.

My husband is going to divorce me.

می خوام طلاقش بدم؟

Are you going to divorce her?

کی می خوام طلاقش بدم؟

When are you going to divorce her?

کی طلاقم می دی؟

When are you divorcing me?

رییسم می خواد اخراجم کنه.

My boss is going to fire me.

برای چی می خوام اخراجم کنی؟

Why are you going to fire me?

می خوام منشی ات رو اخراج کنی؟

Are you going to fire your secretary?

امسال اخراجت می کنم.

I am firing you this year.

کی اخراجش می کنی؟

When are you firing her?

بابام می خواد امسال برای مهاجرت اقدام کنه.

My father is going to **apply for immigration** this year.

کی می خواهی برای مهاجرت اقدام کنی؟

When are you going to apply for immigration?

امسال برای مهاجرت اقدام می کنم.

I am applying for immigration this year.

چرا می خواهی برای مهاجرت اقدام کنی؟

Why are you going to apply for immigration?

مامانم می خواد هفته آینده به مهمانی دعوتت کنه.

My mother is going to invite you to the party next week.

مامانم دعوتت می کنه.

My mother is inviting you.

کی رو می خواهی دعوت کنی؟

Who are you going to invite?

دوستان رو هم دعوت می کنی؟

Are you inviting your friends?

چرا می خواهی دوستان رو دعوت کنی؟

Why are you going to invite your friends?

داداشم می خواد جلسه امروز رو کنسل کنه.

My brother is going to cancel the meeting today.

جلسه امروز رو کنسل می کنم.

I am canceling the meeting today.

برادرت می خواد جلسه رو کنسل کنه؟

Is your brother going to cancel the meeting?

کی جلسه رو کنسل می کنی؟

When are you canceling the meeting?

اگر در مثالها از اجزا غیرضروری جمله برای پیچیده کردن جملات و ساخت مثالهای سخت استفاده کنی الزاما خوب نیست بلکه مثال یک تئوری باید ساده و فقط شامل مباحث همان تئوری باشد چون وظیفه اصلی مثال جا انداختن همان تئوری است

دعوت

Invitation

پیش بینی کردن

Anticipate

بازنشسته شدن

Retire

بازنشسته

Retired

بازنشستگی

Retirement

رابطه با کسی را قطع کردن

Break up

اخراج کردن / آتش

Fire

استعفا دادن

Resign

تأکید کردن

Emphasize

retire /r ta / **** retire my lord: stronghold
resign /r za n/
bazar /b z r/*****
get divorce / t d v s/
fire /fa / ****
apply for immigration / pla f r m re n/
Anticipate /ænt s pe t/
Emphasize / mf sa z/

3-What are you gonna do conversation

Context

در این درس (برعکس درس قبل) از صورت کوتاه شده و غیررسمی و دوستانه استفاده شده
going to == gonna / .n /

چیکار می خوای بکنی؟

What are you gonna do?

خب، فردا قراره از اینجا ترک کنیم.

Well, tomorrow, we are gonna leave this place.

فردا قراره اینجا رو ترک کنیم.

We are gonna leave here tomorrow.

پدرم قرار ایران رو هفته آینده ترک کنه.

My father is gonna leave Iran next week.

هفته آینده ایران رو ترک می کنم.

I am leaving Iran next week.

کی شوهرت بناست ایران رو ترک کنه؟

When is your husband gonna leave Iran?

هفته دیگه ایران رو ترک می کنی؟

Are you leaving Iran next week?

پسر من خواد دانشگاه رو ترک کنه.

My son is gonna leave university.

چرا می خوای شغلت رو ول کنی؟

Why are you gonna leave your job?

شغلم رو بعد از تعطیلات ول می کنم.

I am leaving my job after holiday.

شوهرم می خواد ترکم کنه.

My husband is gonna leave me.

ما فردا اینجا رو ترک می کنیم.

We are leaving here tomorrow.

ما قراره اینجا رو فردا ترک کنیم.

We are gonna leave here tomorrow.

اول می خوام چیکار کنی؟

What are you gonna do first?

پدرت بعد از بازنشستگی قراره چیکار کنه؟

What is your father gonna do after retirement?

بعد از دانشگاه می خوام چیکار کنی؟

What are you gonna do after university?

بعد از تعطیلات چیکار می کنی؟

What are you doing after holiday?

بعد از تعطیلات می خوام چیکار کنی؟

What are you gonna do after holiday?

اول می خوام، یه ماشین بزرگ کرایه می کنم.

First, I'm gonna **rent** a big car.

بعد از **ازدواج** می خوام چیکار کنی؟

What are you gonna do after your marriage?

پدرم قراره یه آپارتمان کرایه کنه.

My father is gonna rent a flat here.

اینجا رو کرایه می کنی؟

Are you renting here?

می خوام یه وکیل برات بگیرم.

I am gonna **hire** a lawyer for you.

پدرت می خواد برای چی وکیل بگیره؟

Why is your father gonna hire a lawyer?

وکیل برات می گیرم.

I am hiring a lawyer for you.

کی وکیل می گیری؟

When are you hiring a lawyer?

می خوامی کارگر روزمزد بگیری؟

Are you gonna hire a domestic?

می خوام دوست دخترم رو ببینم.

I am gonna meet my girlfriend.

می خوام اون رو ببرم به رستوران گرون.

I am gonna take her to an expensive restaurant.

دوست دخترش رو کجا می خواد ببره؟

Where is he gonna take his girlfriend to?

می خوامی مامانت رو ببری دکتر؟

Are you gonna take your mother to a doctor?

کی مامانت رو می بری دکتر؟ مریض هست.

When are you taking your mother to doctor? She is sick.

منو پارک می بری؟

Are you taking me to the park?

می خوامی امشب منو ببری پارک؟

Are you gonna take me to the park tonight?

می خواییم استیک بخوریم و مشروب بزنیم.

We are gonna have a steak and drink champagne.

از این به بعد هر بار خواستی بگی خوردن
eat بگو یکبار با have یکبار با

می خوام به یه رستوران گران قیمت ببرمش.

I am gonna take her to an expensive restaurant.

تو چی فرد؟

What about you Fred?

من چی؟

What about me?

زنم بیرون زندان می خواد بیاد دنبالم.

My wife is gonna pick me up outside the prison.

امشب می خوام برم دنبال مامانم فرودگاه.

I am gonna pike up my mother at the airport tonight.

پسرت منتظرته، کی می خوای بری دنبالش؟

Your son is waiting for you, when are you gonna pick him up?

منتظرت بمونم؟

Shall I wait for you?

بی نهایت ازت ممنونم. بابام می آد دنبالم.

Thank you very much indeed. My father is picking me up.

بعد از مهمونی می آی دنبالم؟

Are you picking me up after the party?

می خوای بعد از مهمونی بیای دنبالم؟

Are you gonna pick me up after the party?

بعدش می خواهیم با مادرش عصرانه بخوریم.

Then we are gonna have tea with her mother.

با مادرش؟! داری شوخی می کنی!

With her mother? You are joking!

داری سر به سرم می ذاری.

You are pulling my leg.

سر به سرم نذار.

Don't pull my leg.

نه، می خوام برای مادر زنم کار کنم.

No, I am not. I am gonna work **for** my wife's mother.

برادرم می خواد تو یه شرکت بیمه کار کنه.

My brother is gonna work **for** an insurance company?

بعد از دانشگاهت می خوای توی ایران خودرو کار کنی؟

Are you gonna work for IKO after university?

کجا می خوای کار کنی؟

Where are you gonna work?

می خوام برای مادر زنم کار کنم.

I am gonna work for my mother-in-law.

نمی خوای برای مادر زنت کار کنی که!

You are not gonna work for your mother-in-law!

یه کافه کوچک توی لندن داره.

She has got a **little** cafe in London.

توی لندن چی داره؟

What has she got in London?

اونجا می خوای چی انجام بدی؟

What are you gonna do there?

پسرت بعنوان یه شغل می خواد چیکار کنه؟

What is your son gonna do as a job?

می خوام **ظرفشویی** انجام بدم.

I am gonna **wash up**.

نمی خوام کار بکنم.

I'm not gonna work.

کار نمی کنم.

I am not working.

می خوام خوش بگذروم.

I am gonna have a good time.

می خوام لذت ببرم.

I am gonna enjoy.

خوش شانس هستی.

You are lucky.

بد شانس هستی.

You are unlucky.

خوش بحالت، خوش شانسی.

Good for you, you are lucky.

خیلی خر شانسی.

You are lucky in the nick of time.

می خوام هفته آینده بانک بزنم.

I am gonna rob a bank next week.

چرا دوباره می خوای بانک بزنی؟

Why are you gonna rob a bank again?

می خوام به زندان برگردم.

I am gonna come back to prison.

انجامش می دم.

I am doing it.

می خوام انجامش بدم (در اسرع وقت و زود).

I would like to do it.

می خوام انجامش بدم.

I am gonna do it.

Vocabulary

زندان

Prison / jail

زندانی

Prisoner

زندان بان

Jailer

ترک کردن / مرخصی

Leave

کرایه کردن

Rent

اجیر کردن

Hire

استخدام کردن

Employ

کارمند

Employee

داخلی / کارگر روزانه

Domestic

وکیل

Lawyer

دنبال کسی رفتن

Pick up

کشیدن

Pull

پا / ساق

Leg

بیمه

Insurance

ظرفشویی کردن

Wash up

مالیدن

Rub

پاکن rubber

دزدی کردن

Rob

دزد robber

سر بزنگاه

Nick of time

Conversation text

A: Well, tomorrow, we are gonna leave this place.

B: Yes. What are you gonna do first?

A: Frist, I'm gonna rent a big car, meet my girlfriend, take her to an expensive restaurant, we are gonna have a steak and drink champagne. What about you Fred?

B: My wife is gonna pick me up outside the prison. Then we are gonna have tea with her mother.

A: With her mother? You are joking!

B: No, I am not. I am gonna work for my wife's mother.

A: Really, you are not gonna work for your mother-in-law!

B: Yes, she has got a little cafe in London.

A: What are you gonna do there?

B: I am gonna wash up.

A: What?! Wash up! I'm not gonna work. I am gonna have a good time.

university / ju n v s ti/
gonna / n /
holiday / h l de /
hire / ha / ***
lawyer / l j / ***
domestic / d m st k/
doctor / d kt / ****
enjoy / n d /
prison / pr z n/
employee / m pl i /
Insurance / n r ns/
rub / r b/
rob / r b/

B: You are lucky. I am gonna rob a bank next week.

A: Why?

B: Because I am happy in prison.

Proverb

تا نباشد چیزکی مردم نگویند چیزها.

There is no smoke without fire.